

Translating the Meanings of Arabic Preposition “الباء” to Persian Preposition “به” Case Study: Surah Al-Imran

Haj Bibi Naderan 

M.A. in Arabic Language Translation,
Damghan University, Damghan, Iran

Morteza Zare Beromi * 

Assistant professor at the Department of
Arabic Language Translation, Damghan
University, Damghan, Iran

Abstract

The analysis of the meanings of the preposition “الباء” and its translation in Surah Al-Imran identifies two basic principles related to the types of languages: First, we translate but we do not fully comprehend the source and target languages (the communicative original); second, languages collide in the translation process (linguistic origin), and the third principle (which is the different translations) should be added to the two principles of communicative and linguistic. For example, The Persian language provides 26 meanings in the Preposition “به” Against the 16 meanings of the Preposition “الباء” -no self-sacrifice- (and in this research, eight new meanings were added to those 16 meanings). Therefore, it is imperative that the translators of the Quran (including the translators mentioned in this study, Ayati, Safavi, Mojtabavi and Makarem) understand Persian and Arabic; undoubtedly, knowing the mother tongue means knowing the potential of other languages. The results showed that the meanings of the prepositions of Surah Al-Imran have a significant effect on the quality of translation from native language to native language and from native language to foreign languages, because these prepositions create different meanings in the Quran context, and they are an influential factor in different translations. This point and the difference between linguistic and non-linguistic knowledge of translators has caused translations of the Quran to be presented in different qualities. The research method is descriptive analytical and statistical analytical. This research is necessary because the meanings of the prepositions have a significant effect on the quality of translations.

Keywords: Quran, language, Translation, Prepositions, Meanings.

- The present article is taken from the master's thesis of the Arabic language translation department of Damghan University.

* Corresponding Author: m.zare@du.ac.ir


How to Cite: Naderan, H. B., Zare Beromi, M. (2022). Translating the Meanings of Arabic Preposition “الباء” to Persian Preposition “به” Case Study: Surah Al-Imran.

Language Science, 9 (15), 211-244. Doi: 10.22054/ls.2021.57826.1420




انتقال معانی حرف جر «باء» به حرف اضافه «به»، مطالعه موردی: سوره آل عمران

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان عربی، دانشگاه دامغان،
دامغان، ایران

حاج‌بی‌بی نادران 

استادیار گروه مترجمی زبان عربی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران

مرتضی زارع برمی *

چکیده

تحلیل معانی و ترجمه حرف جر «باء» در سوره آل عمران دو اصل بنیادی را درباره زبان‌ها مشخص ساخت: نخست اینکه، ترجمه می‌کنیم، اما زبان‌های مبدأ و مقصد را کاملاً درک نمی‌کنیم (اصل ارتباطی) و دوم اینکه، زبان‌ها در فرایند ترجمه با یکدیگر برخورد می‌کنند (اصل زبانی). به دو اصل ارتباطی و زبانی باید یک اصل سوم، یعنی ترجمه‌های ناهمگون، را افزود. برای مثال، زبان فارسی در برابر ۱۶ معنای حرف جر «باء»، مگر تفدیه (و در این پژوهش، هشت معنای جدید بر آن ۱۶ مورد افزوده شد)، ۲۶ معنا را در حرف اضافه «به» تدارک دیده است، بنابراین ضرورت دارد که مترجمان قرآن (از جمله مترجمان مورد استناد در این پژوهش، یعنی آیتی، صفوی، مجتبی و مکارم) در وهله اول با زبان فارسی و در وهله دوم با زبان عربی آشنا باشند. بدون تردید، شناخت زبان مادری به معنای شناخت بالقوه زبان‌های دیگر است. نتایج پژوهش نشان داد که ترجمه درون‌زبانی حروف جر سوره آل عمران به اندازه ترجمه بین‌زبانی آنها اهمیت دارد، زیرا این حروف با قرار گرفتن در بافت ویژه قرآن، مستعد خلق معانی متنوع و عامل مؤثر در پدید آمدن ترجمه‌های ناهمگون هستند. این نکته در کنار هم سطح نبودن دانش زبانی و فرازبانی مترجمان باعث شده تا ترجمه‌های قرآن با کیفیت‌های متفاوت عرضه شوند. روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و نیز آماری - تحلیلی است. انجام این پژوهش ضرورت دارد، زیرا معانی حروف جر / اضافه تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر کیفیت ترجمه‌های عربی به فارسی و به‌عکس دارند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، زبان، ترجمه، حروف جر / اضافه، معانی.

- مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان عربی دانشگاه دامغان است.

* نویسنده مسئول: m.zare@du.ac.ir

۱. مقدمه

حروف جر مختص اسم‌ها هستند و چون بعضی از این حروف نسبت بین معانی و مفاهیم را معین می‌کنند، یعنی یک معنا و مفهوم را به سمت یک معنا و مفهوم دیگر می‌کشند، آنها را در زبان عربی جر و در زبان فارسی اضافه نامیده‌اند (همايونفرخ، ۱۳۳۷: ۷۳۸). حروف جر عبارتند از «مِن، إلی، حَتَّى، خَلا، عَدا، حاشا، فی، عَن، عَلی، مُذ، مُنذ، رُبَّ، لام، کَی، واو، تاء، کاف، باء، لَعَلَّ، مَتی» (Hasan, 1963: 401) و حروف اضافه عبارتند از «به، با، بر، بی، تا، جز، به جز، چون (مثل)، همچون، در، کسره اضافه و وصفی، از، برای، را» (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۲۸۲).

مشهور است که حروف جر یا اضافه از معانی متنوع و روابط دستوری ویژه‌ای برخوردار هستند، بنابراین پژوهش در حروف یادشده اغلب با نوآوری همراه است. بر اساس این اصل و نیز با ملاک قرار دادن این اعتقاد که متن قرآن از متن عربی غیرقرآنی برتر است، موضوع دستیابی به نتایج جدید در «متن‌شناسی تطبیقی و ترجمه» از طریق مطالعه حروف جر قرآن با قطعیت بیشتری همراه خواهد بود.

سوره آل عمران ۲۰۰ آیه دارد و حروف جر «مِن» ۱۴۸ بار، «باء» با احتساب (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ) ۱۳۲ بار، «لام» ۱۱۵ بار، «فی» ۷۹ بار، «علی» ۵۶ بار، «إلی» ۲۵ بار، «عَن» ۱۸ بار، «کاف» ۸ بار و «واو» ۵ بار در آن تکرار شده‌اند و در مجموع عدد ۵۸۶ را محقق ساخته‌اند. ناگزیر، به دلیل تعداد بالای حروف جر در این سوره، یکی از پرتکرارها و پرمعناها، یعنی «باء»، برای پژوهش انتخاب شد. حرف جر «باء» ۱۳۲ بار در ۸۹ آیه از سوره آل عمران استفاده شده است. به بیان دقیق‌تر، در ۶۱ آیه یک بار، در ۱۸ آیه دو بار، در هفت آیه سه بار، در دو آیه چهار بار و در یک آیه هم شش بار حرف جر «باء» آمده است. تمام ۱۳۲ مورد حرف جر «باء» در این سوره در ترجمه‌های آیتی (۱۳۹۲)، صفوی (۱۳۹۸)، مجتبوی (۱۳۹۰) و مکارم (۱۳۹۵) و بر اساس معانی و کیفیت انتقال این معانی به حرف اضافه «به» تحلیل شده‌اند. به دلیل نبود مجال کافی در این مقاله، برای ارائه معانی حرف جر «باء» در یک‌به‌یک آیه‌ها و همچنین، توضیح فرایند انتقال این معانی به ترجمه‌های فارسی، تصمیم گرفته شد در ابتدا ۵ آیه با روش توصیفی - تحلیلی و سپس، هر ۸۹ آیه با ظرفیت ۱۳۲ بار تکرار حرف جر «باء» با روش آماری - تحلیلی به بحث گذارده شوند.

در معناپژوهی و تحلیل معانی حرف جر «باء» به منابع معتبر مراجعه شده است. چنانچه در این میان به معنایی اشاره شد و برای آن تحلیلی بدون ذکر منبع ارائه گردید، منبع تحلیل آرای نویسندگان مقاله است، زیرا در مواردی به خاطر جدید بودن برداشت‌ها امکان ارجاع به منابع از قبل شناخته شده ممکن نبود.

۲. پیشینه پژوهش

سعی وافر زمخشری در *الکشاف* (۱۴۳۰) و کوشش سایر مفسران قرآن برای توضیح حروف معانی پیش روی ماست. نحویان مشهور، از جمله زجاجی در *حروف المعانی* (۱۴۰۶)، هروی در *الأزهیه فی علم الحروف* (۱۴۱۳) و مالقی در *رصف المبانی فی شرح حروف المعانی* (۱۳۹۵) نیز به شایستگی حروف معانی را به بحث گذاردند و بخش قابل توجهی از ظرفیت آثار خود را به حروف جر اختصاص دادند، اما در رمزگشایی از تمام معانی متصور برای حروف بازماندند. علت آن است که آنها به تحلیل معانی حروف بر اساس بافت متن روی خوش نشان ندادند و توان خود را در مسائل نحوی و بلاغی گرد آوردند. در سال‌های اخیر، کتاب لاشین^۱ در *من أسرار التعبير فی القرآن، الحروف* (۲۰۱۴)، کتاب هلالی در *نظریة الحروف العاملة ومبناها وطبیعة استعمالها القرآنی بلاغیاً* (۱۴۰۶) و کتاب عواد در *تناوب حروف الجر فی لغة القرآن* (۱۴۰۲) را داریم که اغلب بر منوال نحویان و مفسران گذشته هستند.

اصغری در رساله *حروف جر در قرآن کریم با رویکرد نحوی - بلاغی* (۱۳۸۸)، به ابعاد حقیقی و مجازی معانی حروف جر در قرآن پرداخت. وی در جمع‌بندی نتایج رساله‌اش نوشته است: «غیر از معانی مذکور برای حروف جر از دیدگاه نحوی - بلاغی، کاربردهای معنایی دیگری نیز برای برخی از حروف جر در قرآن کریم وجود دارد که ذکر آن از آنها نشده است و شایسته است بدان موارد اضافه گردد» (اصغری، ۱۳۸۸: ۲۳۵). زارعی فر در *مقاله معانی حرف باء در قرآن کریم* (۱۳۹۲)، موضوع تک معنایی و چندمعنایی حرف جر «باء» را بر اساس ۱۴ معنای شناخته شده این حرف به بحث گذاشته است. وی نتیجه گرفت که هر حرف جر یک معنای اصلی دارد و سایر معانی تفسیر یا کاربرد مجازی معنای اصلی هستند. بر همین اساس، وی هر ۱۴ معنای حرف جر «باء» را به دو معنای الصاق و استعانت

1. Lashin, A.

برگرداند. حداقل یک نقد به مقاله زارعی فر وارد است؛ وی در عنوان این مقاله کلمه «جر» را از قلم انداخته است. واضح است که «حرف باء» و «حرف جر باء» دو مقوله کاملاً جدا از هم هستند. محبی و علوی (۱۳۹۲) در مقاله بررسی و نقد معانی حرف جر «باء» از دیدگاه ابن هشام انصاری معانی «الصاق، تعدیه، استعانت، سببیت، مصاحبت، ظرفیت، مقابله، تبعیض، بدلیت، قسم، تأکید و تفدیه» را برای حرف جر «باء» قابل قبول و معانی «استعلاء، انتهای غایت و مجاوزت» را غیرقابل قبول دانستند. لازم به ذکر است که تحلیل محبی و علوی در رد این معانی نیاز به بازنگری دارد.

مقاله حاضر در مقایسه با منابع پژوهشی فوق و همچنین سایر منابع مرتبط نوآوری‌هایی دارد. این نوآوری‌ها عبارتند از ۱) رساندن تنوع معانی حرف جر «باء» به عدد ۲۴؛ ۲) بررسی معانی این حرف در یک سوره؛ ۳) استخراج معانی این حرف از بافت متنی؛ ۴) بررسی امکان انتقال معانی این حرف از عربی به فارسی؛ ۵) تطبیق معانی این حرف با معانی حرف اضافه «به»؛ ۶) اثبات کفایت حرف اضافه «به» برای قبول معانی حرف جر «باء»؛ ۷) تعیین چهار ترجمه شاخص سوره آل عمران به منظور بررسی عملی انتقال معانی حرف جر «باء» به حرف اضافه «به» و ۸) رتبه‌بندی مترجم‌ها (آیتی (۱۳۹۲)، صفوی (۱۳۹۸)، مجتوبی (۱۳۹۰) و مکارم (۱۳۹۵)) بر اساس کیفیت انتقال معانی این حرف از عربی به فارسی.

۳. بحث و تحلیل

در زیربخش‌های بعدی از این پژوهش به معانی حرف جر «باء» و حرف اضافه «به» و جزئیات مربوطه به آنها در ترجمه‌های آیتی (۱۳۹۲)، صفوی (۱۳۹۸)، مجتوبی (۱۳۹۰) و مکارم (۱۳۹۵) پرداخته می‌شود.

۳-۱. معانی حرف جر «باء» و حرف اضافه «به»

برای حرف جر «باء» ۱۶ معنای «الصاق/تعدیه/استعانت/تعلیل/مصاحبت/ظرفیت/بدلیت/مقابله/مجاوزت/استعلاء/تبعیض/قسم/انتهای غایت/زائده برای تأکید» (علی‌دوست و دیگران، ۱۴۱۶: ۸۰)، «حال» (مالقی، ۱۳۹۵: ۱۴۷) و «تفدیه» (حسینی، ۱۳۶۳: ۲۴) ثبت شده است. ما نیز بنابر مطالعاتی که انجام دادیم، هشت معنای «ابتدای غایت، تبیین (بیان جنس)، مطابقت، نسبت، اختصاص، تشبیه، مقدار یا اندازه، و توالی یا تعاقب» را به آن ۱۶ معنا افزودیم.

برای حرف اضافه «به» ۲۶ معنا آورده‌اند: «الصاق / نشانه سوگند / نسبت به / بر روی، بر / برای، به خاطر / استعانت / تدریج و توالی و تعاقب / تقابل / مطابق و موافق / ظرفیت در مکان و زمان / به عنوان و به رسم و به نشانه / [بدل از یا] تبدیل به / به معنای از / تعدیه / در حال / به اندازه، به مقدار» (انوری، ۱۳۸۲: ۱۰۷۲)، «به همراه و مصاحبت / بیان جنس یا از جنس / طرف و سوی» (معین، ۱۳۸۰: ۶۰۷)، «تشبیه / تمیز و به معنای از حیث و به اعتبار / پایان / مقدار و اندازه / تخصیص / تأکید» (مشکور، ۱۳۴۹: ۱۶۵) و «به عهده» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۸۸: ۲۶۵).

۲-۳. هم پوشانی های معنایی حرف جر «باء» و حرف اضافه «به»

۱) الصاق: ضمیمه کردن یا چسباندن است: (وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ) (آل عمران: ۷/۳). «و استواران در دانش گویند: ما بدان گرویده‌ایم» (مجتبوی، ۱۳۹۰). «ریسمان را به چوب بستم» (سیاح، ۱۳۸۵: ۷۳). «باء» در «به» (یعنی ایمانی ملازم و مباشر با آنچه از سوی خداوند متعال نازل شده است) و «به» در «به چوب» به معنای «الصاق» هستند. ۲) استعانت: «باء» در این معنا «بیان می کند که مجرور آلت وقوع فعل یا شبه فعل است» (ابن هشام الأنصاری، ۱۴۰۶: ۱۱۱) و در زبان فارسی با کلمات «با، به، به وسیله، در آغاز کلام» همخوانی دارد: (يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ) (آل عمران: ۳/۱۶۷). «با دهانهایشان چیزی می گویند که در دلهایشان نیست» (مجتبوی، ۱۳۹۰). «به کشتی ها قصد آنجا کنند» (انوری، ۱۳۸۲: ۱۰۷۲). «باء» در (بِأَفْوَاهِهِمْ) و «به» در «به کشتی ها» ابزار وقوع فعل هستند. ۳) تعدیه: «بایی» است که افعال لازم را به سبب آن متعدی سازند» (مشکور، ۱۳۴۹: ۱۶۳). (ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ) (البقرة: ۲/۱۷). «خداوند روشنایی شان را برد» (مجتبوی، ۱۳۹۰). «به فریدون گفت» (مشکور، ۱۳۴۹: ۱۶۳). «باء» در (بِنُورِهِمْ) و «به» در «به فریدون» ابزار تعدیه فعل لازم هستند.

۴) سببیت: «باء» سبب در معانی «لام» طبقه بندی می شود، لذا جایگزین کردن «لام» در محل «باء» ممکن است. در زبان فارسی نیز کلمات «برای، به خاطر، به سبب، با» القاکننده معنای سببیت هستند: (إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلِ) (البقرة: ۲/۵۴). «شما بدان سبب که گوساله را پرستیدید بر خود ستم روا داشتید» (آیتی، ۱۳۹۲). «به گناه خود مؤاخذه گردید» (معین، ۱۳۸۰: ۶۰۷). «باء» در (بِاتِّخَاذِكُمْ) و «به» در «به گناه» به معنای «به سبب» است.

۵) مصاحبت (همراهی): معرف این معنا در عربی «مع» و در فارسی «با» است: (فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ) (آل عمران: ۱۷۴/۳). «پس با نعمت و فزونی و بخششی از خدا (از میدان جنگ) بازگشتند» (مجتبوی، ۱۳۹۰). «به سلامت حرکت کرد» (معین، ۱۳۸۰: ۴۲۵). «باء» در (بِنِعْمَةٍ) و «به» در «به سلامت» به معنای «مع» و «با» هستند.

۶) ظرفیت: به معنای «فی» و نشانه ظرف مکانی و زمانی است. در فارسی برای ظرف مکانی از کلماتی چون «در، میان، در میان، درون و زیر» و برای ظرف زمانی از کلمات «هنگام و در وقت» استفاده می‌شود: (وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِيَدِهِ) (آل عمران: ۱۲۳/۳). «هر آینه خدا شما را در بدر یاری کرد» (آیتی، ۱۳۹۲). «زبان بریده به کنجی نشسته» (انوری، ۱۳۸۲: ۱۰۷۲). «باء» در (بِيَدِهِ) و «به» در «به کنجی» به معنای «فی» و «در» هستند. (وَسِيحٍ بِالْعُشِيِّ وَالْإِبْكَارِ) (آل عمران: ۴۱/۳). «و در شبانگاه و بامداد او را بستای» (آیتی، ۱۳۹۲). «دهقان به سحرگاهان کز خانه برآید» (انوری، ۱۳۸۲: ۱۰۷۲). «باء» در (بِالْعُشِيِّ) و «به» در «به سحرگاهان» به معنای «فی» و «در وقت» هستند.

۷) مقابلت: دلالت «باء» و «به» بر وقوع فعل ماقبل، در مقابل و عوض شیء مابعد است و برای آن از اصطلاحات «در مقابل» در برابر و در عوض» استفاده می‌شود: (فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ) (آل عمران: ۱۱/۳). «پس خدا آنان را به کیفر گناهانشان بازخواست کرد» (آیتی، ۱۳۹۲). «تیم ما (در مقابل آنها) ده به یازده بازی می‌کرد» (انوری، ۱۳۸۲: ۱۰۷۲). «باء» در (بِذُنُوبِهِمْ) و «به» در «به یازده» به معنای «در مقابل» هستند.

۸) مجاوزت: بر عبور، گذر و انصراف چیزی از چیزی دیگر دلالت دارد. حرف اصلی الفاکتنده این معنا در عربی «عن» و در فارسی «از، درباره» است: (وَيَوْمَ تَشَقُّقُ السَّمَاءِ بِالْغَمَامِ) (الفرقان: ۲۵/۲۵). «روزی را که آسمان پوشیده از ابر می‌شکافد» (مؤلفان مقاله). «چنان به حُسن جوانی خویشان مغرور...» (مشکور، ۱۳۴۹: ۱۶۵). «باء» در (بِالْغَمَامِ) و «به» در «به حسن» به معنای «عن» و «از» هستند.

۹) استعلاء: بر اشراف و برتری دلالت دارد. «باء» در این مفهوم، مترادف کلمه «علی» در عربی و مترادف کلمات «بر، بالا، روی، زبر و بر روی» در فارسی است: (إِنْ تَأْمَنَّهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ) (آل عمران: ۷۵/۳). «اگر آنان را بر پوستی انباشته از طلا (مالی فراوان) امین

شمری، آن را به تو باز می گردانند» (صفوی، ۱۳۹۸). «بالاخره به صندلی ریاست نشست» (انوری، ۱۳۸۲: ۱۰۷۲). «باء» در (بِقِنطَارٍ) و «به» در «به صندلی» به معنای «علی» و «بر» هستند. (۱۰) ابتدای غایت: در این مفهوم، «باء» و «به» در عربی و فارسی برای ابتداست: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) (الفاتحة: ۱ / ۱). «به نام خدای بخشاینده مهربان» (آیتی، ۱۳۹۲). «باء» در (بِسْمِ) و «به» در «به نام» به معنای «ابتدا» هستند.

(۱۱) انتهای غایت: در عربی از «باء» در معنای «إلی» و در فارسی از «به» در معانی «تا، نزد، پیش، به سوی و به طرف» استفاده می شود تا به انتهای زمان یا مکان اشاره شود: (وَقَدْ أَحْسَنَ بِي) (یوسف: ۱۲ / ۱۰۰). «نیکی (در نهایت) به من رسید» (مؤلفان مقاله). «ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی» (مشکور، ۱۳۴۹: ۱۶۴). «باء» در (بِی) و «به» در «به کعبه» به معنای «إلی» و «تا» هستند.

(۱۲) تبعیض (بعض / به معنای من): در عربی مترادف حرف جر «مِن» و در فارسی مترادف «از» است: (عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ) (الإنسان: ۶ / ۷۶). «چشمه ای که بندگان خدا از آن می نوشند» (آیتی، ۱۳۹۲). «راه ها به برف آکنده بود» (انوری، ۱۳۸۲: ۱۰۷۳). «باء» در (بِهَا) و «به» در «به برف» به معنای «مِن» و «از» هستند.

(۱۳) ملابست: بیان حالت و چگونگی و مترادف معنای «در حال» است و گاهی «پیش از اسم مصدر یا حاصل مصدری می آید و قید می سازد» (انوری، ۱۳۸۲: ۱۰۷۲) و مترادف قید حالت می شود: (نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ) (آل عمران: ۳ / ۳). «کتاب را بحق بر تو نازل کرد» (مکارم، ۱۳۹۵). «به تاختن از پس او بشدند» (انوری، ۱۳۸۲: ۱۰۷۳). «باء» در (بِالْحَقِّ) و «به» در «به تاختن» دلالت بر حالت فاعل دارند.

(۱۴) بدلیت: جایگزین کردن امری بر امر دیگر است و راه شناسایی این معنا قرار دادن کلمه «بدل و جای» به جای «باء» و «به» است: (إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ) (آل عمران: ۳ / ۱۷۷). «هرآینه آنان که ایمان دادند و کفر خریدند» (آیتی، ۱۳۹۲). «آزادگان به جان نفروشدن جاه را» (معین، ۱۳۸۰: ۴۲۶). «باء» در (بِالْإِيمَانِ) و «به» در «به جان» به معنای «بدل از و عوض از» هستند.

(۱۵) تأکید: «باء» اگر زائده باشد، معنای جمله را مؤکد می کند. زبان فارسی برای «به» دو مفهوم «تأکید و زائده» دارد» (مشکور، ۱۳۴۹: ۱۶۴) که جدا از هم منظور شده اند: (كَفَى

بِاللَّهِ شَهِيداً) (الرعد: ۴۳/۱۳). «خدا به عنوان شهادت میان من و شما کافی است» (آیتی، ۱۳۹۲). «و آن خانقاه پیوسته با فتوح و به برکت تر از همه خانقاه‌های نیشابور بودی» (مشکور، ۱۳۴۹: ۱۶۵). «گر فریدون بود بنعمت و ملک/ بی هنر را به هیچ کس مشمار» (مشکور، ۱۳۴۹: ۱۶۵). «باء» در (بِاللَّهِ) و «به» در «به برکت تر» برای «تأکید» به کار رفته‌اند و در «به هیچ کس» زائده است.

۱۶) قسم: «باء» را اصلی‌ترین حرف قسم دانسته‌اند و برای آن ویژگی‌هایی را برشمرده‌اند که دیگر حروف قسم ندارند. از جمله «می‌توان فعلش را ذکر کرد: «أَقْسِمُ بِاللَّهِ لَتَفْعَلَنَّ» (الدَّقْر، ۱۴۱۰: ۱۱۶). (وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ) (النور: ۲۴/۵۳). «به خدا قسم خوردند» (آیتی، ۱۳۹۲). «به خدا» (انوری، ۱۳۸۲: ۱۰۷۲). «باء» در (بِاللَّهِ) و «به» در «به خدا» به معنای «قسم» هستند.

۱۷) تبیین: زمانی صدق می‌کند که بتوان «از جنس» را جایگزین «باء» و «به» کرد: (وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ) (آل عمران: ۳/۳۶). «و خدا از جنس آنچه (وی) زاییده آگاه‌تر است» (مؤلفان مقاله). «کار خود کن کسی را به یار مدار» (معین، ۱۳۸۰: ۶۰۷). «باء» در (بِمَا) و «به» در «به یار» به معنای «از جنس» هستند.

۱۸) مطابقت: زمانی است که بتوان از «باء» و «به» افاده توافقی داشت، کلمه «علی» و کلمات «بر، بر طبق و بر وفق» برای تبیین این معنا به کار می‌روند: (وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ) (المائدة: ۴۴/۵). «و هر که بر وفق آیاتی که خدا نازل کرده است حکم نکند، کافر است» (آیتی، ۱۳۹۲). «کار جهان شد به کام ما» (مشکور، ۱۳۴۹: ۱۶۴). «باء» در (بِمَا) و «به» در «به کام» دلالت بر «موافقت و مطابقت» دارند.

۱۹) نسبت: معنای «نسبت به» در «باء» و «به» مشترک است: (وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ) (آل عمران: ۲۰/۳). «و خداوند نسبت به (اعمال و عقاید) بندگان بینا است» (مکارم، ۱۳۹۵). «ارادت من به او روزبه‌روز بیشتر می‌شود» (انوری، ۱۳۸۲: ۱۰۷۲). «باء» در (بِالْعِبَادِ) و «به» در «به او» به معنای «نسبت به» هستند.

۲۰) اختصاص: زمانی است که مفهومی مخصوص مفهوم دیگر شود، مانند «تخصیص وصف به موصوف» (ناتل خانلری، ۱۳۶۳: ۲۵۳). (أَمَّنَّا بِاللَّهِ) (آل عمران: ۳/۵۲). «مخصوص خدا ایمان آوردیم» (مؤلفان مقاله). «کسی را به دوست گرفتن» (مشکور،

۱۳۴۹: ۱۶۵). «باء» در (بِاللَّهِ) و «به» در «به دوست» به معنای «تخصیص ایمان به خدا و دوستی به فرد» هستند.

۲۱) تشبیه: «باء» و «به» در این معنا نقش ادات تشبیه را دارند و در ترجمه «باء» می توان از «به مانند، بسان، مثل و شبیه» استفاده کرد: (لَمْ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ) (آل عمران: ۷۱/۳). «برای چه حق را به مانند باطل می پوشانید (و حق را امری مشابه باطل قرار می دهید)» (مؤلفان مقاله). «ای آن که به اقبال تو در عالم نیست» (مشکور، ۱۳۴۹: ۱۶۵). «باء» در (بِالْبَاطِلِ) و «به» در «به اقبال» به معنای «شبیه و مثل» هستند.

۲۲) مقدار: «باء» و «به» بر مقدار و اندازه دلالت دارند: (إِنْ تَأْمَنَّهُ بَدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ) (آل عمران: ۷۵/۳). «اگر او را به مقدار یک دینار امین شماری، آن را به تو باز نمی گرداند» (مؤلفان مقاله). «تنش زور دارد به صد زورمند» (انوری، ۱۳۸۲: ۱۰۷۲). «باء» در (بَدِينَارٍ) و «به» در «به صد» بر «مقدار» دلالت دارند.

۲۳) توالی و تعاقب: وقتی «باء» و «به» بین دو کلمه مکرر بیایند، القاکننده معنای ترتیب و توالی هستند: (فَأَتَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ) (آل عمران: ۱۵۳/۳). «سپس اندوهها را یکی پس از دیگری به شما جزا داد» (مکارم، ۱۳۹۵). «گرفتند نفرین بر او تن به تن» (انوری، ۱۳۸۲: ۱۰۷۱). «باء» در (بِغَمٍّ) و «به» در «تن به تن» به معنای «ترتیب و توالی» هستند.

۳-۳. معنای اختصاصی حرف جر «باء»

تفدیه: معنایی است که «باء» را از «به» جدا می کند. «بِأَبِي وَأُمِّي»: پدر و مادرم فدای تو باد که در اصل فِدَاكَ أَبِي وَأُمِّي است» (حسینی، ۱۳۶۳: ۲۴). عده ای معتقدند که «برای کثرت استعمال و به قصد اختصار، فعل از جمله حذف شده و تصور این است که مفهوم فعل محذوف از حرف «باء» استنباط می شود. پس، جمله بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي به این قرار است که اُفْدِيكَ بِأَبِي وَأُمِّي» (علامه مصطفوی، ۱۳۸۶: ۱۵). «باء» در «بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي» دلالت بر «فدا کردن» دارد.

۳-۴. معانی اختصاصی حرف اضافه «به»

۱) تمییز: «به» در این مفهوم برای توضیح معنا و رفع ابهام جمله به کار می آید و معادلش کلمات «از جهت، از حیث، به اعتبار و از نظر» هستند. در زبان عربی معنایی تحت عنوان

تمییز برای حرف جر «باء» نیافتیم: «به تن ژنده پیل و به جان جبرئیل / به کف ابر بهمن به دل رود نیل» (مشکور، ۱۳۴۹: ۱۶۵). «به» در «به تن»، «به جان»، «به کف» و «به دل» به معنای «تمییز» است.

۲) به عنوان: «به» در معنای «به عنوان، به رسم و به نشانه» آمده است: «کسی را که دانی که خصم تو اوست / نه از عقل باشد گرفتن به دوست» (انوری، ۱۳۸۲: ۱۰۷۲). «به» در «به دوست» معنای «به عنوان» دارد.

۳) مترادف به عهده: «به» در این معنا کفالت، پیمان و نتیجه‌ای را بیان می‌کند که از تعهدسپاری حاصل می‌شود: «کار جهان، به اهل جهان واگذاشتیم» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۸۸: ۲۶۵). «به» در «به اهل» به معنای به عهده است.

۴) تبدیل کردن: «به» در این معنا واسطه تبدیل حالتی به حالت دیگر است که در فارسی بسیار کاربرد دارد: «آب گرفتم لطف افزون کند / خار و خسک را به سمن چون کند» (انوری، ۱۳۸۲: ۱۰۷۳). «به» در «به سمن» به معنای تبدیل است.

۳-۵. انتقال معانی حرف جر «باء» به حرف اضافه «به»

در این زیربخش انتقال معانی مختلف حرف جر «باء» به حرف اضافه «به» مورد بررسی قرار می‌گیرند.

الف) (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)

۱) الصاق: «باء» در این آیه «باء الصاق است» (الفخر الرازی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۲۳). یعنی اگر انسان بخواهد در مسیر عبودیت قرار بگیرد، باید با مباشرت و ملاصقت نام خداوند رحمان و رحیم طاعات خود را آغاز کند؛

۲) استعانت: با استعانت از (الله) سوره را آغاز می‌کنیم؛

۳) تعدیه: اگر فعل «أتی» که یک فعل لازم است در تقدیر باشد، «باء» برای تعدیه است.

به این معنا که انسان برای خواندن سوره باید نام خداوند جل جلاله را بر زبان بیاورد؛

۴) سببیت: کارها باید به خاطر خدا انجام شوند، پس سوره را به خاطر نام خداوند رحمان و رحیم می‌خوانیم؛

۵) مصاحبت: سوره را همراه نام خداوند می‌خوانیم «باء برای مصاحبت و متعلق به محذوف است» (گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۲۵)؛

۶) ظرفیت: وقتی انسان در ظرف الهی قرار بگیرد، مانند خداوند متعال به مرحله‌ی فرازمانی و فرامکانی می‌رسد. اکنون اگر معتقد باشیم که نام خداوند، ظرف اعمال و کردار ماست؛ لذا در دایره‌ی نام خداوند سوره را شروع می‌کنیم؛

۷) مقابلت: در مقابل نام خداوند رحمان و رحیم سوره را می‌خوانیم و چون هر (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ) مربوط به همان سوره است؛ لذا می‌توانیم چنین بگوییم که در برابر نام خداوند تمام آیات این سوره را تلاوت می‌کنیم؛

۸) ابتدای غایت: «کار[مان] را با نام خدا آغاز می‌کنیم؛ نه به نام چیز دیگری» (خرم‌دل، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱). همان خدایی که می‌فرماید: (كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ) (الأنبياء: ۲۱/۱۰۴)، (قُلِ اللّٰهُ يَبْدُوْا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ) (یونس: ۳۴/۱۰)؛

۹) انتهای غایت: با پناه بردن و توسل جستن به نامی شروع می‌کنیم که اعتقاد داریم سرانجام کارها به سوی اوست و او ابدی است و هم او ابتدای غایتی است که خود نیز انتهای آن است: (هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ) (الحديد: ۳/۵۷)؛

۱۰) تبعیض: به دلایل زیر، معتقد به معنای تبعیض هستیم:

أ) «نزد دانشمندان مشهور است که خداوند هزار و یک اسم مقدس و پاک دارد (که با آنها خوانده می‌شود) و این مطلب در کتاب و سنت موجود است» (الفخر الرازی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۲۳۹)؛ لذا اسم (اللّٰه) در این آیه مجموع نام‌های خداوند که در سوره آل عمران آمده‌اند را نمایندگی می‌کند؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ب) این (بِسْمِ اللّٰهِ) یک (بِسْمِ اللّٰهِ) از مجموع ۱۱۴ (بِسْمِ اللّٰهِ)‌های قرآن است و همه آنها نیست؛

ج) این (بِسْمِ اللّٰهِ) و سایر نام‌های خداوند در این سوره یک گروه اسمی جدا از مجموع گروه‌های اسمی خداوند در سایر سوره‌هاست؛

۱۱) بدلیت: (اللّٰه) کانونی‌ترین کلمه قرآن است که تمام کلمات قرآن با این کلمه در ارتباط هستند. به عبارت دیگر، خداوند در تمام آیات قرآن به عنوان دانای کل حضور دارد؛ لذا می‌توان چنین گفت که بدل از اسم خداوند رحمان و رحیم سوره را می‌خوانیم. غیر از

این نیست که (بِسْمِ اللَّهِ)، (الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) را توضیح می‌دهد، بنابراین آیات یا در ظرف رحمان و یا در ظرف رحیم هستند و رحمان و رحیم در ظرف (اللَّهُ) جای دارند. یعنی خداوندی که کمال مطلق است؛ این کمال مطلق رحمان است به این دلیل که لطفش شامل حال همه می‌شود و رحیم است، بنابراین مخصوص خواص خودش است؛

۱۲) زائده برای تأکید: اگر جار و مجرور متعلق به محذوف باشند و تقدیر کلام را چنین بیان کنیم که «أبداً بِسْمِ اللَّهِ أَوْ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ»، پس می‌توان «باء» را زائده دانست که بر سر مفعول خود افاده تأکید می‌کند؛

۱۳) تبیین: بین این آیه و غرض کلی هر سوره پیوستگی وجود دارد و این عبارت در هر سوره به مقتضای همان سوره معنا می‌یابد؛ لذا می‌توان گفت این آیه از جنس معنا و مفهوم سوره آل عمران است؛

۱۴) مطابقت: مطابق اسم خداوند رحمان و رحیم این سوره را می‌خوانیم. یعنی آیات این سوره هم سنگ و هم شأن این (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) هستند؛

۱۵) اختصاص: ویژه نام خداوند رحمان و رحیم سوره را آغاز می‌کنیم. مخصوصاً که (بِسْمِ اللَّهِ) «نشانه مسلمانی است و باید همه کارهای مسلمان رنگ الهی داشته باشند» (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۳).

۶-۳. ارزیابی ترجمه‌های (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)

«به نام خدای بخشاینده مهربان» (آیتی، ۱۳۹۲). «به نام خداوند گسترده مهر مهربان» (صفوی، ۱۳۹۸). «به نام خدای بخشاینده مهربان» (مجتبوی، ۱۳۹۰). «به نام خداوند بخشنده مهربان» (مکارم، ۱۳۹۵).

فعل (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) در تقدیر است، بنابراین کشف معانی «باء» در این آیه به مراجعه به تفاسیر و فرهنگ‌های لغت و همچنین برخورداری از دانش زبانی و توان تحلیلی مناسب نیاز دارد. بنابراین، در گام اول (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) را در تفاسیر و فرهنگ‌های لغت جستجو می‌کنیم و درباره نتایج جستجو می‌اندیشیم تا دانش زبانی و ادراکمان را از معانی اش توسعه دهیم. در گام دوم، به ترجمه‌ها می‌نگریم و درمی‌یابیم که آیتی (۱۳۹۲)، صفوی (۱۳۹۸)، مجتبوی (۱۳۹۰) و مکارم (۱۳۹۵) از (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) ترجمه‌های مشابه ارائه داده‌اند. این شباهت ترجمه‌ای به‌طور حتم، شباهت نقدی

را به دنبال خواهد داشت. در گام سوم، نتیجه تدبیر و تأمل در (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) را با ترجمه‌های آیتی (۱۳۹۲)، صفوی (۱۳۹۸)، مجتبوی (۱۳۹۰) و مکارم (۱۳۹۵) تطبیق می‌دهیم تا معانی «باء» ظاهر شوند. در گام چهارم، باید تصمیم بگیریم که از مجموع معانی «باء» کدام یک با خواندن ترجمه‌ها و کدامیک با کمک تفاسیر و مراجعه به فرهنگ‌های لغت به دست می‌آید. به نظر می‌رسد با این نقشه بتوان چهار سطح معنایی را از آسان به سخت در (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) برای «باء» تعریف کرد:

سطح اول: ابتدای غایت؛

سطح دوم: الصاق، استعانت و مصاحبت؛

سطح سوم: تعدیه، سببیت، ظرفیت، مقابله، انتهای غایت و اختصاص؛

سطح چهارم: تبعیض، بدلیت، زائده برای تأکید، تبیین و مطابقت.

(ب) (نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ)

(نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ) (آل عمران: ۳/۳).

(۱) الصاق: بین نزول کتاب و حق ملاصقت وجود دارد، یعنی رابطه آنها جدایی ناپذیر است؛
(۲) سببیت: «کتاب را به خاطر حق بودنش فرستاد» (سمین، ۱۴۱۴، ج ۲: ۸) تا کتاب اقامه و اثبات حق کند؛

(۳) مصاحبت: کتاب به همراه حق است «و همراه بودنش با حق باعث می‌شود که نه بعدها بطلان عارضش بشود و نه در حین نزول آمیخته با بطلان باشد» (موسوی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۹)؛
(۴) ملابست: «باء» بنابر حال بودن از فاعل نمایندگی می‌کند، یعنی فعل خدا سزاوارانه بود و «کتاب را سزاوارانه بر تو نازل کرد» (سمین، ۱۴۱۴، ج ۲: ۸) و امکان دارد «باء» بنابر حال بودن از مفعول نمایندگی کند، یعنی کتاب سزاوار نزول گشت «خداوند کتاب را بر تو نازل کرد، در حالی که این کتاب حق بود» (سمین، ۱۴۱۴، ج ۲: ۸)؛

(۵) بدلیت: فعل خداوند همه‌اش حق است، پس کتابی را هم که نازل کرده همه‌اش حق است، بنابراین کتاب را بدل از حق، بر تو نازل کرد؛

(۶) تبیین (بیان جنس): جنس کتاب به وسیله حق مشخص می‌شود. کتابی از جنس «عدل و انصاف» (معین، ۱۳۸۰: ۴۲۷) را بر تو نازل کرد؛

۷) مطابقت: چون فعل خداوند همه‌اش حق است، کتابی را هم که نازل کرده مطابق و موافق حق است.

۷-۳. ارزیابی ترجمه‌های (بِالْحَقِّ)

«این کتاب را که تصدیق‌کننده کتاب‌های پیش از آن است به‌حق بر تو نازل کرد» (آیتی، ۱۳۹۲). «این کتاب را که سراسر حق است و باطل به آن راه نمی‌یابد و کتاب‌های آسمانی پیش از خود را راست و درست می‌شمرد به تدریج بر تو فرو فرستاد» (صفوی، ۱۳۹۸). «و این کتاب را که تصدیق‌کننده کتاب‌های پیشین است، براستی و درستی بر تو فرو فرستاد» (مجتبوی، ۱۳۹۰). «همان کسی که» کتاب را بحق بر تو نازل کرد، که با نشانه‌های کتب پیشین، هماهنگ است» (مکارم، ۱۳۹۵).

آیتی (۱۳۹۲)، مجتبوی (۱۳۹۰) و مکارم (۱۳۹۵) ترجمه‌ای عام از عبارت (بِالْحَقِّ) ارائه داده‌اند، لذا معانی الصاق، سببیت، مصاحبت، تبیین، ملابست، بدلیت و مطابقت از ترجمه‌هایشان فهمیده می‌شود، اما صفوی (۱۳۹۸) متن ترجمه را با افزودن کلمه «سراسر» مقید به معنای مطابقت نموده که در نتیجه آن، فهم معانی سببیت، ملابست و بدلیت از متن ناممکن می‌شود و معانی الصاق و مصاحبت نیز با تأمل به‌دست می‌آیند.

۸-۳. (وَاللَّهُ بِصِيرٍ بِالْعِبَادِ)

(قُلْ أُوْنِبْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بِصِيرٍ بِالْعِبَادِ) (آل عمران: ۱۵/۳).

۱) الصاق: بینایی خداوند ضمیمه احوال و افعال بندگان است؛
۲) مصاحبت: علم خداوندی و بینایی او همیشه با بندگان همراه است؛
۳) استعلاء: «خدای تعالی بیناست بر احوال بندگان خود؛ محسن را ثواب می‌دهد و مسیء را عذاب می‌کند» (اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۱: ۳۰۴). یعنی خداوند بر احوال بندگان مسلط است؛

۴) انتهای غایت: بصیرت خداوند به سمت بندگان است و این بندگان مقصد بصیرت خداوند هستند؛

(۵) نسبت: خداوند «نسبت به احوال و افعالشان آگاه است و نیکوکار را پاداش و گنه کار را از روی عدل مجازات می کند» (الألوسی، ۱۴۱۵، ج ۲/ ۹۸).

۳-۹. ارزیابی ترجمه های (بِالْعِبَادِ)

«خدا از حال بندگان آگاه است» (آیتی، ۱۳۹۲). «خدا به بندگان خود بیناست و شایستگان این موهبت ها را به خوبی می شناسد» (صفوی، ۱۳۹۸). «خداوند به [حال] بندگان بیناست» (مجتبوی، ۱۳۹۰). «خدا به (اعمال) بندگان (با ایمان)، بیناست» (مکارم، ۱۳۹۵).

به نظر می رسد تنها ترجمه بی نقص از این آیه و مهیا برای انتقال معانی «باء» به زبان فارسی متعلق به صفوی (۱۳۹۸) است. آیتی (۱۳۹۲)، مجتبوی (۱۳۹۰) و مکارم (۱۳۹۵) معنای «باء» را با افزودن «از حال، به [حال]، به (اعمال)» به سمت تبعیض برده اند. این معنا برای «باء» در این آیه قابل تأیید نیست، زیرا خداوند نه فقط از احوال بندگان، بلکه از همه امورشان آگاه است. ایراد مذکور به ترجمه آیتی (۱۳۹۲)، به دلیل نشان دادن «به» به جای «از» بیشتر وارد است، به این دلیل که حضور «از» مانع از دریافت معنای نسبت از «باء» می شود.

۳-۱۰. (قَائِمًا بِالْقِسْطِ)

(شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ)
(آل عمران: ۱۸/۳).

(۱) الصاق: «عدل به درستی وابسته و ملازم به الوهیت و یکتایی اوست» (قطب، ۱۴۲۵، ج ۱: ۳۲۹)؛

(۲) تعدیه: خداوند گواهی داده که عدالت را برپا داشته است؛

(۳) سببیت: «خدا در حالی که کفایت کننده خلق است به سبب قسط یا اقامه (آن) شهادت می دهد» (گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۲۵۲)؛

(۴) مصاحبت: «اجرای امور بندگان و پاداش کردارها به همراه عدالت است» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۷۱۶)؛

(۵) استعلاء: خداوند قائم به عدل و «اجرای امورش بر استقامت است و نیز نقل کرده اند: (بر اساس استیلائی که دارد) بندگان را به عدل پاداش و جزا دهد» (عاملی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۳۷)؛

(۶) مطابقت: «جمع افعال الهی موافق با حکمت و مصلحت است» (طیب، ۱۳۶۹، ج ۳: ۱۴۰).

۱۱-۳. ارزیابی ترجمه‌های (بِالْقِسْطِ)

«اللَّهُ حَكَمٌ كَرِيمٌ - وَفَرِشْتَاكُنَّ وَدَانِشْمَنْدَانِ نِيز - كِه هِيچِ خِدَائِي بَرِپَايِ دَارِنْدَهٗ عَدْلُ جِزْ اَوْ نِيَسْتِ» (آيتي، ۱۳۹۲). «خدا كه در كارهايش عدالت را برپا داشته گواهي داد... و فرشتگان و عالمان نيز بر آن گواهي دادند» (صفوي، ۱۳۹۸). «خدای يكتا - اللّٰه - گواهي مي‌دهد كه جز او خدائي نيست و فرشتگان و دانشمندان نيز گواهي مي‌دهند، كه به عدل و داد ايستاده - جهان را به عدالت برپا مي‌دارد» (مجتبوي، ۱۳۹۰). «خداوند، (با ايجاد نظام هماهنگ جهان هستي،) گواهي مي‌دهد و فرشتگان و صاحبان دانش، (نيز، بر اين مطلب) گواهي مي‌دهند؛ در حالي كه (خداوند) قيام به عدالت دارد» (مكارم، ۱۳۹۵).

موفقيت در ترجمه اين آيه با مجتبوي (۱۳۹۰) و سپس با مكارم (۱۳۹۵) است. آنها در انتقال معاني الصاق، سببيت، مصاحبت، استعلاء و مطابقت هم‌ارز هستند. فقط مي‌ماند معنای تعديه كه مجتبوي (۱۳۹۰) مسأله انتقال آن را تا حدودي و نه به‌طور صحيح و دقيق، با يك افزوده توضيحي (يعني: جهان را به عدالت برپا مي‌دارد) حل کرده است، اما مكارم (۱۳۹۵) در همين حد هم موفق نيست. آيتي (۱۳۹۲) (قَائِمًا بِالْقِسْطِ) را به‌صورت مضاف و مضاف اليه ترجمه کرده و اين يعني حرف جر را در نظر نگرفته، لذا از مجموع معاني «باء» در اين آيه فقط الصاق و مصاحبت را انتقال داده است. مسير انتقال معاني «باء» در ترجمه صفوي (۱۳۹۸) ناهموار است، زيرا وي از «باء» اراده معنای تعديه دارد.

۱۲-۳. (إِنْ تَأْمَنَّهُ بَدِينَارٍ لَّا يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ)

(وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَّهُ بِقِنْطَارٍ يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَّهُ بَدِينَارٍ لَّا يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا) (آل عمران: ۷۵/۳).

۱) الصاق: اعتماد ضميمه امانت است و «معنی بَاء الصاق (اطمينان به حفظ) امانت و حدودش است» (الفخر الرازي، ۱۴۲۰، ج ۸: ۲۶۲)؛

۲) استعانت: از اهل كتاب كسي هست كه به‌توسط يك دينار امانتي مي‌تواني شاهد خيانتش باشي؛

۳) سببيت: اگر همين فرد از اهل كتاب را به‌سبب يك دينار امين بشماري خيانتش را مي‌بيني؛

۴) مصاحبت: اگر امانتداری وی به همراه دیناری سنجیده شود، آن دینار را به تو بر نمی‌گرداند؛

۵) ظرفیت: «اگر احدی از اهل کتاب را در قنطاری امین بداری به تو برمی‌گرداند» (موسوی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۴۱۵) و از اهل کتاب کسی هم هست که اگر او را در دیناری امین بدانی، آن را به تو پس نمی‌دهد. قنطار و دینار ظرف آزمایش امانتداری اهل کتاب است؛ ۶) استعلاء: از اهل کتاب، کسی هست که اگر او را نه بر یک قنطار، بلکه بر یک دینار از جهت امانتداری، رفعت و اختیار بدهی و او را بر آن دینار مسلط گردانی، باز هم به تو خیانت می‌کند؛

۷) مقدار: از اهل کتاب، کسی هست که به اندازه یک دینار هم نمی‌توانی به او امانت بسپاری.

نکته تکمیلی: هر هفت معنایی که برای (بَدِینَار) آمد برای (بِقِنطَار) هم صادق است.

۳-۱۳. ارزیابی ترجمه‌های (بَدِینَار)

«از ایشان کسی است که اگر امینش شمری و دیناری به او بسپاری، جز به تقاضا و مطالبت آن را بازنگرداند» (آیتی، ۱۳۹۲). «بعضی از آنان کسانی‌اند که اگر بر دیناری (مال اندک) امینشان شمری، به تو بازش نمی‌گردانند» (صفوی، ۱۳۹۸). «از آنها کس هست که اگر او را بر دیناری امین داری، به تو بازنگرداند» (مجتبوی، ۱۳۹۰). «کسانی هستند که اگر یک دینار هم به آنان بسپاری، به تو باز نمی‌گردانند» (مکارم، ۱۳۹۵).

صفوی (۱۳۹۸) و مجتبوی (۱۳۹۰) معنای استعلاء را بر سایر معانی «باء» رجحان داده‌اند، لذا امکان انتقال معانی الصاق، استعانت، سببیت و مصاحبت را در ترجمه خویش دشوار و معنای ظرفیت و مقدار را دور از ذهن ساخته‌اند. آیتی (۱۳۹۲) و مکارم (۱۳۹۵) نیز به گونه‌ای ترجمه کرده‌اند که ضمن ارجح دانستن معنای مقدار، دریافت معانی الصاق، استعانت و مصاحبت را میسر و معنای سببیت، ظرفیت و استعلاء را دشوار ساخته‌اند.

۳-۱۴. آمار انتقال معانی حرف جر «باء» به حرف اضافه «به» (سوره آل عمران)

در این قسمت از مقاله برای هر مترجم دو جدول داریم که جدول اول، جدول اصلی و جدول دوم، جدول پیوستی است. در جدول اول، معانی «باء» و کیفیت انتقال این معانی توسط مترجم نمایه می‌شوند و در جدول دوم به کیفیت انتقال هر یک از این معانی نمره

داده می شود. جدول دوم، پنج ستون اصلی دارد: ستون اول مختص به دریافت سریع و آسان معانی «باء» است. محاسبه تراز در این ستون با ضریب مثبت یک انجام می شود و به مترجم نمره عالی می دهد. ستون دوم مختص به دریافت همراه با تأمل معانی «باء» است. محاسبه تراز در این ستون با ضریب مثبت نیم انجام می شود و به مترجم نمره خوب می دهد. ستون سوم مختص به دریافت دشوار معانی «باء» است و محاسبه تراز در این ستون با ضریب منفی نیم انجام می شود و به مترجم نمره ضعیف می دهد. ستون چهارم مختص به عدم دریافت معانی «باء» است و محاسبه تراز در این ستون با ضریب منفی یک انجام می شود و به مترجم نمره بد می دهد. ستون پنجم مختص به نمره نهایی هر یک از معانی است. تشریح تراز گیری با یک مثال:

معنای الصاق ۱۳۲ بار در سوره آل عمران استفاده شده است. فرایند دریافت این معنا، برای مثال از ترجمه آیتی (۱۳۹۲) به صورت زیر محاسبه می شود:

✓ ۷۹ بار به آسانی به دست می آید، ضریب مثبت یک: $(۷۹ \times ۱ = ۷۹)$

✓ ۱۵ بار با تأمل به دست می آید، ضریب مثبت نیم: $(۱۵ \times ۰/۵ = ۷/۵)$

✓ ۲۹ بار با دشواری به دست می آید، ضریب منفی نیم: $(۲۹ \times (-۰/۵) = -۱۴/۵)$

✓ ۹ بار دریافت نمی شود، ضریب منفی یک: $(۹ \times (-۱) = -۹)$

✓ برآورد نمره نهایی مترجم از ۱۳۲ بار معنای الصاق: $(۷۹ + ۷/۵ + (-۱۴/۵) + (-۹)) = ۶۳$

۳-۱۴-۱. آیتی (۱۳۹۲)

در جدول (۱) معانی «باء» و کیفیت انتقال این معانی توسط آیتی (۱۳۹۲) نمایه می‌شوند:

جدول ۱. دریافت معانی حرف جر «باء» از ترجمه آیتی (۱۳۹۲)

ردیف	معانی نهفته در حرف جر «باء»	دریافت معنا به سهولت	دریافت معنا با تأمل	دریافت معنا با دشواری	عدم دریافت معنا	مجموع
۱	الصاق	۷۹	۱۵	۲۹	۹	۱۳۲
۲	استعانت	۱۳	۲	۷	۷	۲۹
۳	تعدیه	۵	۰	۲	۷	۱۴
۴	سببیت	۲۳	۳	۱۰	۱۱	۴۷
۵	مصاحبت	۷۲	۱۴	۲۳	۹	۱۱۸
۶	ظرفیت	۱۸	۹	۹	۲۷	۶۳
۷	مقابلت	۵	۳	۷	۶	۲۱
۸	مجاوزت	۲	۶	۱	۳	۱۲
۹	استعلاء	۱۲	۱۶	۱۰	۶	۴۴
۱۰	ابتدای غایت	۱	۰	۰	۰	۱
۱۱	انتهای غایت	۱۲	۱۵	۱۸	۴	۴۹
۱۲	تبعیض	۲	۲	۰	۶	۱۰
۱۳	ملا بست	۹	۱	۵	۹	۲۴
۱۴	بدلیت	۲	۱	۴	۳	۱۰
۱۵	زائده برای تأکید	۰	۲۸	۷	۲۰	۵۵
۱۶	تبیین	۱	۱۲	۲	۳	۱۸
۱۷	مطابقت	۶	۶	۴	۲	۱۸
۱۸	نسبت	۲۸	۵	۵	۸	۴۶
۱۹	اختصاص	۶	۱۰	۱۱	۴	۳۱
۲۰	تشبیه	۰	۱	۱	۱	۳
۲۱	مقدار	۱	۱	۱	۱	۴
۲۲	توالی	۰	۰	۱	۰	۱
	مجموع هر ستون	۲۹۷	۱۵۰	۱۵۷	۱۴۶	

در جدول (۲) به کیفیت انتقال هر یک از این معانی توسط آیتی (۱۳۹۲) نمره داده

می‌شود:

جدول ۲. نمره آیتی (۱۳۹۲) از انتقال معانی حرف جر «باء» به حرف اضافه «به»

ردیف	معانی نهفته در حرف جر «باء»	تراز دریافت معنا به سهولت	تراز دریافت معنا با تأمل	تراز دریافت معنا با دشواری	تراز عدم دریافت معنا	نمره نهایی
۱	الصاق	۷۹	۷/۵	-۱۴/۵	-۹	۶۳
۲	استعانت	۱۳	۱	-۳/۵	-۷	۳/۵
۳	تعديه	۵	۰	-۱	-۷	-۳
۴	سببیت	۲۳	۱/۵	-۵	-۱۱	۸/۵
۵	مصاحبت	۷۲	۷	-۱۱/۵	-۹	۵۸/۵
۶	ظرفیت	۱۸	۴/۵	-۴/۵	-۲۷	-۹
۷	مقابلت	۵	۱/۵	-۳/۵	-۶	-۳
۸	مجاوزت	۲	۳	-۰/۵	-۳	۱/۵
۹	استعلاء	۱۲	۸	-۵	-۶	۹
۱۰	ابتدای غایت	۱	۰	۰	۰	۱
۱۱	انتهای غایت	۱۲	۷/۵	-۹	-۴	۶/۵
۱۲	تبعیض	۲	۱	۰	-۶	-۳
۱۳	ملايست	۹	۰/۵	-۲/۵	-۹	-۲
۱۴	بدلیت	۲	۰/۵	-۲	-۳	-۲/۵
۱۵	زائده برای تأکید	۰	۱۴	-۳/۵	-۲۰	-۹/۵
۱۶	تبیین	۱	۶	-۱	-۳	۳
۱۷	مطابقت	۶	۳	-۲	-۲	۵
۱۸	نسبت	۲۸	۲/۵	-۲/۵	-۸	۲۰
۱۹	اختصاص	۶	۵	-۵/۵	-۴	۱/۵
۲۰	تشبیه	۰	۰/۵	-۰/۵	-۱	-۱
۲۱	مقدار	۱	۰/۵	-۰/۵	-۱	۰
۲۲	توالی	۰	۰	-۰/۵	۰	-۰/۵
مجموع نمره هر تراز		۲۹۷	۷۵	-۷۸/۵	-۱۴۶	
نمره نهایی مترجم از انتقال معانی حرف جر «باء» به حرف اضافه «به»: ۱۴۷/۵						

۳-۱۴-۲. صفوی (۱۳۹۸)

در جدول (۳) معانی «باء» و کیفیت انتقال این معانی توسط صفوی (۱۳۹۸) نمایه می‌شوند:

جدول ۳. دریافت معانی حرف جر «باء» از ترجمه صفوی (۱۳۹۸)

ردیف	معانی نهفته در حرف جر «باء»	دریافت معنا به سهولت	دریافت معنا با تأمل	دریافت معنا با دشواری	عدم دریافت معنا	مجموع
۱	الصاق	۹۳	۱۲	۲۴	۳	۱۳۲
۲	استعانت	۱۷	۲	۹	۱	۲۹
۳	تعديه	۶	۰	۲	۶	۱۴
۴	سببیت	۲۹	۴	۹	۵	۴۷
۵	مصاحبت	۸۲	۱۴	۲۱	۱	۱۱۸
۶	ظرفیت	۱۴	۸	۱۵	۲۶	۶۳
۷	مقابله	۹	۴	۶	۲	۲۱
۸	مجاوزت	۱	۶	۱	۴	۱۲
۹	استعلاء	۱۶	۱۷	۷	۴	۴۴
۱۰	ابتدای غایت	۱	۰	۰	۰	۱
۱۱	انتهای غایت	۱۶	۱۳	۱۸	۲	۴۹
۱۲	تبعیض	۴	۱	۳	۲	۱۰
۱۳	ملاهیست	۱۲	۱	۵	۶	۲۴
۱۴	بدلیت	۱	۲	۵	۲	۱۰
۱۵	زائده برای تأکید	۶	۲۵	۶	۱۸	۵۵
۱۶	تبیین	۱	۱۲	۱	۴	۱۸
۱۷	مطابقت	۵	۵	۶	۲	۱۸
۱۸	نسبت	۳۶	۳	۴	۳	۴۶
۱۹	اختصاص	۹	۶	۱۵	۱	۳۱
۲۰	تشبیه	۰	۱	۲	۰	۳
۲۱	مقدار	۱	۱	۱	۱	۴
۲۲	توالی	۰	۰	۰	۱	۱
	مجموع هر ستون	۳۵۹	۱۳۷	۱۶۰	۹۴	

در جدول (۴) به کیفیت انتقال هر یک از این معانی توسط صفوی (۱۳۹۸) نمره داده می‌شود:

جدول ۴. نمره صفوی (۱۳۹۸) از انتقال معانی حرف جر «باء» به حرف اضافه «به»

ردیف	معانی نهفته در حرف جر «باء»	تراز دریافت معنا به سهولت	تراز دریافت معنا با تأمل	تراز دریافت معنا با دشواری	تراز عدم دریافت معنا	نمره نهایی
۱	الصاق	۹۳	۶	-۱۲	-۳	۸۴
۲	استعانت	۱۷	۱	-۴ / ۵	-۱	۱۲ / ۵
۳	تعديه	۶	۰	-۱	-۶	-۱
۴	سببیت	۲۹	۲	-۴ / ۵	-۵	۲۱ / ۵
۵	مصاحبت	۸۲	۷	-۱۰ / ۵	-۱	۷۷ / ۵
۶	ظرفیت	۱۴	۴	-۷ / ۵	-۲۶	-۱۵ / ۵
۷	مقابلت	۹	۲	-۳	-۲	۶
۸	مجاوزت	۱	۳	-۰ / ۵	-۴	-۰ / ۵
۹	استعلاء	۱۶	۸ / ۵	-۳ / ۵	-۴	۱۷
۱۰	ابتدای غایت	۱	۰	۰	۰	۱
۱۱	انتهای غایت	۱۶	۷ / ۵	-۹	-۲	۱۲ / ۵
۱۲	تبعیض	۴	۰ / ۵	-۱ / ۵	-۲	۱
۱۳	ملازمت	۱۲	۰ / ۵	-۲ / ۵	-۶	۴
۱۴	بدلیت	۱	۱	-۲ / ۵	-۲	-۲ / ۵
۱۵	زائده برای تأکید	۶	۱۲ / ۵	-۳	-۱۸	-۲ / ۵
۱۶	تبیین	۱	۶	-۰ / ۵	-۴	۲ / ۵
۱۷	مطابقت	۵	۲ / ۵	-۳	-۲	۲ / ۵
۱۸	نسبت	۳۶	۱ / ۵	-۲	-۳	۳۲ / ۵
۱۹	اختصاص	۹	۳	-۷ / ۵	-۱	۳ / ۵
۲۰	تشبیه	۰	۰ / ۵	-۱	۰	-۰ / ۵
۲۱	مقدار	۱	۰ / ۵	-۰ / ۵	-۱	۰
۲۲	توالی	۰	۰	۰	-۱	-۱
مجموع نمره هر تراز		۳۵۹	۶۹ / ۵	-۸۰	-۹۴	
نمره نهایی مترجم از انتقال معانی حرف جر «باء» به حرف اضافه «به»: ۲۵۴ / ۵						

۳-۱۴-۳. مجتبوی (۱۳۹۰)

در جدول (۵) معانی «باء» و کیفیت انتقال این معانی توسط مجتبوی (۱۳۹۰) نمایه می‌شوند:

جدول ۵. دریافت معانی حرف جر «باء» از ترجمه مجتبوی (۱۳۹۰)

ردیف	معانی نهفته در حرف جر «باء»	دریافت معنا به سهولت	دریافت معنا با تأمل	دریافت معنا با دشواری	عدم دریافت معنا	مجموع
۱	الصاق	۱۰۱	۷	۱۸	۶	۱۳۲
۲	استعانت	۱۹	۲	۶	۲	۲۹
۳	تعديه	۶	۱	۲	۵	۱۴
۴	سببیت	۳۳	۳	۷	۴	۴۷
۵	مصاحبت	۹۳	۷	۱۴	۴	۱۱۸
۶	ظرفیت	۱۱	۱۲	۱۵	۲۵	۶۳
۷	مقابله	۱۰	۳	۶	۲	۲۱
۸	مجاوزت	۱	۶	۱	۴	۱۲
۹	استعلاء	۲۰	۱۷	۴	۳	۴۴
۱۰	ابتدای غایت	۱	۰	۰	۰	۱
۱۱	انتهای غایت	۱۹	۱۴	۱۴	۲	۴۹
۱۲	تبعیض	۴	۱	۳	۲	۱۰
۱۳	ملاهیست	۹	۲	۶	۷	۲۴
۱۴	بدلیت	۲	۴	۲	۲	۱۰
۱۵	زائده برای تأکید	۱	۲۱	۷	۲۶	۵۵
۱۶	تبیین	۲	۱۳	۰	۳	۱۸
۱۷	مطابقت	۶	۶	۵	۱	۱۸
۱۸	نسبت	۳۹	۳	۳	۳	۴۶
۱۹	اختصاص	۱۲	۵	۱۳	۱	۳۱
۲۰	تشبیه	۰	۱	۲	۰	۳
۲۱	مقدار	۱	۱	۰	۲	۴
۲۲	توالی	۰	۰	۰	۱	۱
	مجموع هر ستون	۳۹۰	۱۲۹	۱۲۶	۱۰۵	

در جدول (۶) به کیفیت انتقال هر یک از این معانی توسط مجتبوی (۱۳۹۰) نمره داده می‌شود:

جدول ۶. نمره مجتبوی (۱۳۹۰) از انتقال معانی حرف جر «باء» به حرف اضافه «به»

ردیف	معانی نهفته در حرف جر «باء»	تراز دریافت معنا به سهولت	تراز دریافت معنا با تأمل	تراز دریافت معنا با دشواری	تراز عدم دریافت معنا	نمره نهایی
۱	الصاق	۱۰۱	۳/۵	-۹	-۶	۸۹/۵
۲	استعانت	۱۹	۱	-۳	-۲	۱۵
۳	تعدیه	۶	۰/۵	-۱	-۵	۰/۵
۴	سببیت	۳۳	۱/۵	-۳/۵	-۴	۲۷
۵	مصاحبت	۹۳	۳/۵	-۷	-۴	۸۵/۵
۶	ظرفیت	۱۱	۶	-۷/۵	-۲۵	-۱۵/۵
۷	مقابلت	۱۰	۱/۵	-۳	-۲	۶/۵
۸	مجاوزت	۱	۳	-۰/۵	-۴	-۰/۵
۹	استعلاء	۲۰	۸/۵	-۲	-۳	۲۳/۵
۱۰	ابتدای غایت	۱	۰	۰	۰	۱
۱۱	انتهای غایت	۱۹	۷	-۷	-۲	۱۷
۱۲	تبعیض	۴	۰/۵	-۱/۵	-۲	۱
۱۳	ملا بست	۹	۱	-۳	-۷	۰
۱۴	بدلیت	۲	۲	-۱	-۲	۱
۱۵	زائده برای تأکید	۱	۱۰/۵	-۳/۵	-۲۶	-۱۸
۱۶	تیین	۲	۶/۵	۰	-۳	۵/۵
۱۷	مطابقت	۶	۳	-۲/۵	-۱	۵/۵
۱۸	نسبت	۳۹	۱/۵	-۰/۵	-۳	۳۷
۱۹	اختصاص	۱۲	۲/۵	-۶/۵	-۱	۷
۲۰	تشبیه	۰	۰/۵	-۱	۰	-۰/۵
۲۱	مقدار	۱	۰/۵	۰	-۲	-۰/۵
۲۲	توالی	۰	۰	۰	-۱	-۱
	مجموع نمره هر تراز	۳۹۰	۶۴/۵	-۶۳	-۱۰۵	
نمره نهایی مترجم از انتقال معانی حرف جر «باء» به حرف اضافه «به»: ۲۸۶/۵						

۳-۱۴-۴. مکارم (۱۳۹۵)

در جدول (۷) معانی «باء» و کیفیت انتقال این معانی توسط مکارم (۱۳۹۵) نمایه می‌شوند:

جدول ۷. دریافت معانی حرف جر «باء» از ترجمه مکارم (۱۳۹۵)

ردیف	معانی نهفته در حرف جر «باء»	دریافت معنا به سهولت	دریافت معنا با تأمل	دریافت معنا با دشواری	عدم دریافت معنا	مجموع
۱	الصاق	۸۰	۱۲	۳۴	۶	۱۳۲
۲	استعانت	۱۴	۲	۹	۴	۲۹
۳	تعديه	۸	۱	۱	۴	۱۴
۴	سببیت	۲۶	۳	۱۱	۷	۴۷
۵	مصاحبت	۷۳	۱۳	۲۷	۵	۱۱۸
۶	ظرفیت	۱۵	۹	۱۴	۲۵	۶۳
۷	مقابله	۶	۲	۱۰	۳	۲۱
۸	مجاوزت	۳	۴	۳	۲	۱۲
۹	استعلاء	۸	۱۷	۱۳	۶	۴۴
۱۰	ابتدای غایت	۱	۰	۰	۰	۱
۱۱	انتهای غایت	۱۵	۱۹	۱۲	۳	۴۹
۱۲	تبعیض	۵	۰	۳	۲	۱۰
۱۳	ملاهیست	۹	۱	۶	۸	۲۴
۱۴	بدلیت	۳	۱	۴	۲	۱۰
۱۵	زائده برای تأکید	۳	۲۱	۱۰	۲۱	۵۵
۱۶	تبیین	۸	۶	۲	۲	۱۸
۱۷	مطابقت	۵	۵	۶	۲	۱۸
۱۸	نسبت	۲۶	۵	۵	۵	۴۶
۱۹	اختصاص	۷	۸	۱۳	۳	۳۱
۲۰	تشبیه	۱	۱	۱	۰	۳
۲۱	مقدار	۱	۱	۲	۰	۴
۲۲	توالی	۱	۰	۰	۰	۱
	مجموع هر ستون	۳۱۸	۱۳۱	۱۹۱	۱۱۰	

در جدول (۸) به کیفیت انتقال هر یک از این معانی توسط مکارم (۱۳۹۵) نمره داده می‌شود:

جدول ۸. نمره مکارم (۱۳۹۵) از انتقال معانی حرف جر «باء» به حرف اضافه «به»

ردیف	معانی نهفته در حرف جر «باء»	تراز دریافت معنا به سهولت	تراز دریافت معنا با تأمل	تراز دریافت معنا با دشواری	تراز عدم دریافت معنا	نمره نهایی
۱	الصاق	۸۰	۶	-۱۷	-۶	۶۳
۲	استعانت	۱۴	۱	-۴/۵	-۴	۶/۵
۳	تعديه	۸	۰/۵	-۰/۵	-۴	۴
۴	سببیت	۲۶	۱/۵	-۵/۵	-۷	۱۵
۵	مصاحبت	۷۳	۶/۵	-۱۳/۵	-۵	۶۱
۶	ظرفیت	۱۵	۴/۵	-۷	-۲۵	-۱۲/۵
۷	مقابله	۶	۱	-۵	-۳	-۱
۸	مجاوزه	۳	۲	-۱/۵	-۲	۱/۵
۹	استعلاء	۸	۸/۵	-۶/۵	-۶	۴
۱۰	ابتدای غایت	۱	۰	۰	۰	۱
۱۱	انتهای غایت	۱۵	۹/۵	-۶	-۳	۱۵/۵
۱۲	تبعیض	۵	۰	-۱/۵	-۲	۱/۵
۱۳	ملاهیست	۹	۰/۵	-۳	-۸	-۱/۵
۱۴	بدلیت	۳	۰/۵	-۲	-۲	-۰/۵
۱۵	زائده برای تأکید	۳	۱۰/۵	-۵	-۲۱	-۱۲/۵
۱۶	تبیین	۸	۳	-۱	-۲	۸
۱۷	مطابقت	۵	۲/۵	-۳	-۲	۲/۵
۱۸	نسبت	۲۶	۲/۵	-۵	-۵	۱۸/۵
۱۹	اختصاص	۷	۴	-۶/۵	-۳	۱/۵
۲۰	تشبیه	۱	۰/۵	-۰/۵	۰	۱
۲۱	مقدار	۱	۰/۵	-۱	۰	۰/۵
۲۲	توالی	۱	۰	۰	۰	۱
	مجموع نمره هر تراز	۳۱۸	۶۵/۵	-۹۵/۵	-۱۱۰	
نمره نهایی مترجم از انتقال معانی حرف جر «باء» به حرف اضافه «به»: ۱۷۸						

جمع ترازها در هر یک از جداول (۲)، (۴)، (۶) و (۸) به یک نمره نهایی رسیده است. نمره آیتی (۱۳۹۲) ۱۴۷/۵، صفوی (۱۳۹۸) ۲۵۴/۵، مجتبوی (۱۳۹۰) ۲۸۶/۵ و مکارم (۱۳۹۵) ۱۷۸ است. بر اساس این نمره‌ها، مجتبوی (۱۳۹۰) در زمینه انتقال معانی حرف جر «باء» به حرف اضافه «به» (سوره آل عمران) در رتبه اول می‌ایستد و پس از وی، صفوی (۱۳۹۸)، مکارم (۱۳۹۵) و آیتی (۱۳۹۲) به ترتیب در رتبه‌های دوم، سوم و چهارم قرار می‌گیرند.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

مترجم قرآن در انتقال معانی حرف جر «باء» به حرف اضافه «به» با دو نوع متفاوت از ترجمه سروکار دارد: نخست، ترجمه درون‌زبانی یا بازگفت و دوم، ترجمه بین‌زبانی. اولین مورد، به تفسیر نشانه‌های کلامی از رهگذر سایر نشانه‌ها در همان زبان اشاره دارد. برای نمونه، حروف جر/ اضافه دارای معانی دقیقی هستند که بر اساس موقعیتشان در جمله افاده معانی خاصی دارند و توضیح این معانی در زمره ترجمه‌های درون‌زبانی می‌گنجد. مورد دوم، به تفسیر نشانه‌های کلامی به وسیله زبان دیگر اشاره دارد، این مورد دوم که ما آن را ترجمه مطلوب می‌نامیم با انتقال معانی حروف جر از زبان عربی به زبان فارسی هم‌ارزی دارد. حروف جر/ اضافه این موقعیت را دارند که در جمله‌ها با اسم‌ها و فعل‌ها ترکیب شوند و معانی متعددی را خلق کنند. خود حروف نیز با توجه به این فرایند از تعدد معانی برخوردار می‌شوند. هنر زبان‌شناس یا مترجم تشخیص صحیح این معانی است و البته درباره مترجم‌ها، به ویژه مترجم قرآن، باید این نکته را افزود که وی در ابتدا باید بر معانی حروف تسلط پیدا کند، سپس این معانی را با حداکثر رسانایی به زبان مقصد منتقل کند. برای مثال، اگر حرف جر «باء» حامل چندین معناست و انتقال همه این معانی به متن مقصد امکان‌پذیر است، مترجم حداقل سه نکته را باید در نظر بگیرد: نخست اینکه، حرف جر در بافت ویژه به قرآن می‌تواند تنوع معنایی بیشتری را تجربه کند. دوم اینکه، اگر مترجم بخواهد این معانی را از عربی به فارسی انتقال بدهد، باید ساختارهای معادل در فارسی را بشناسد و از بین این ساختارها موردی را انتخاب کند که از بیشترین ظرفیت برای میزبانی معانی مبدأ در مقصد برخوردار باشد. به عبارت دیگر، واضح است که نمی‌توان برای انواعی از معانی، انواعی از ساختارها را به صورت هم‌زمان استفاده کرد، اما می‌توان از یک ساختار برای رساندن بیشترین یا دقیق‌ترین معانی استفاده کرد. سوم اینکه، هر یک از این معانی با توجه

به پیامی که انتقال می‌دهد، می‌تواند تأثیری متفاوت بر کاربران زبان مقصد بگذارد. رتبه‌بندی مترجمان قرآن (یعنی آیتی (۱۳۹۲)، صفوی (۱۳۹۸)، مجتبیوی (۱۳۹۰) و مکارم (۱۳۹۵)) در بخش آماری - تحلیلی مقاله مشروط به این سه نکته بود که در نهایت معلوم شد که مجتبیوی بهتر از سایر مترجمان معانی حرف جر «باء» را به حرف اضافه «به» انتقال داده است.

تعارض منافع

تعارض منافع نداریم.

سپاسگزاری

از کارمندان محترم کتابخانه‌های آستان قدس رضوی، آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (س)، آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) و حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) که در تهیه منابع پژوهش حاضر مساعدت فراوان نمودند کمال تشکر و امتنان را داریم.

ORCID

Haj Bibi Naderan



<https://orcid.org/0000-0002-2991-0388>

Morteza Zare Beromi



<https://orcid.org/0000-0002-4113-7850>

منابع

- القرآن الکریم.
- آیتی، عبدالمحمد. (۱۳۹۲ش). ترجمه قرآن مجید. چاپ یازدهم. تهران: سروش.
- ابن هشام الأنصاری، جمال الدین. (۱۴۰۶ق). معنی اللیب عن کتب الأعراب. الطبعة الأولى. قم: مکتبة سیدالشهداء.
- اشکوری، محمد بن علی. (۱۳۷۳ش). تفسیر شریف لاهیجی. چاپ اول. تهران: داد.
- اصغری، بهنوش. (۱۳۸۸ش). حروف جر در قرآن کریم با رویکرد نحوی - بلاغی. رساله دکتری زبان و ادبیات عربی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

- الألوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی. تحقیق علی عبدالباری عطیة. الطبعة الأولى. بیروت: الکتب العلمیة.
- انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن. (۱۳۸۸ش). دستور زبان ۲. چاپ پنجم. تهران: فاطمی.
- انوری، حسن. (۱۳۸۲ش). فرهنگ بزرگ سخن. چاپ دوم. تهران: مهارت.
- حسن، عباس. (۱۹۶۳م). النحو الوافی. الطبعة الثالثة. القاهرة: المعارف.
- حسینی، سید علی. (۱۳۶۳ش). الأسس العمدیة فی قواعد العربیة (ترجمه و تشریح عوامل فی النحو). چاپ اول. قم: حاذق.
- خرم دل، مصطفی. (۱۳۸۴ش). تفسیر نور. چاپ چهارم. تهران: احسان.
- الدقر، عبدالغنی. (۱۴۱۰ق). معجم القواعد العربیة فی النحو والتصریف وُدیل بالإملاء. قم: الحمید.
- زارعی فر، ابراهیم. (۱۳۹۲ش). معانی حرف باء در قرآن کریم. دوفصلنامه علوم قرآن و حدیث. ۴۵(۲)، ۷۳-۹۰.
- الزجاجی، أبو القاسم عبدالرحمن بن اسحاق. (۱۴۰۶ق). حروف المعانی. حقه علی توفیق الحمد. بیروت: مؤسسة الرسالة، وإربد (الأردن): دار الأمل.
- الزمخشري، محمود بن عمر. (۱۴۳۰ق). تفسیر الکشاف عن حقائق التنزیل وعیون الأقاویل فی وجوه التأویل. بیروت: المعرفة.
- سمین، احمد بن یوسف. (۱۴۱۴ق). الدر المصون فی علوم کتاب المکنون. بیروت: الکتب العلمیة.
- سیاح، احمد. (۱۳۸۵ش). فرهنگ دانشگاهی ۲: فارسی به عربی با جمله بندیها و امثله. چاپ دوم. تهران: فرحان.
- صفوی، محمدرضا. (۱۳۹۸ش). ترجمه القرآن الکریم. چاپ پنجم. قم: معارف.
- الطبرسی، أبوعلی الفضل بن الحسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. الطبعة الثالثة. طهران: ناصر خسرو.
- طیب، عبدالحسین. (۱۳۶۹ش). أطیب البیان فی تفسیر القرآن. چاپ دوم. تهران: اسلام.
- عاملی، ابراهیم. (۱۳۶۰ش). تفسیر عاملی. تهران: صدوق.
- علامه مصطفوی. (۱۳۸۶ش). توضیح و تکمیل عوامل در علم نحو. چاپ دهم. تهران: آثار علامه مصطفوی.
- علی دوست، أبو القاسم، الحسنی، السید قاسم، النائینی، محمد رضا و الصفائی، غلام علی. (۱۴۱۶ق). مغنی الأدیب. قم: الحوزة العلمیة.

- عَوَّاد، محمد حسن. (۱۴۰۲ق). *تناوب حروف الجبر فی لغة القرآن*. الأردن: الفرقان.
- الفخر الرازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). *تفسیر الفخر الرازی (التفسیر الكبير أو مفاتيح الغيب)*. الطبعة الثالثة. بيروت: إحياء التراث العربي.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۸ش). *دستور مختصر امروز بر پایه زبان شناسی جدید*. تهران: سخن.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۸ش). *تفسیر نور*. تهران: درس های از قرآن.
- قطب، سید. (۱۴۲۵ق). *فی ظلال القرآن*. بيروت: الشروق.
- گنابادی، حاج سلطان محمد. (۱۴۰۸ق). *تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة*. الطبعة الثانية. بيروت: الأعلمی.
- لاشین، عبدالفتاح. (۲۰۱۴م). *من أسرار التعبير فی القرآن الكريم، الحروف*. القاهرة: الفكر العربي.
- المالقی، الإمام أحمد بن النور. (۱۳۹۵ق). *رصف المبانی فی شرح حروف المعانی*. تحقیق أحمد محمد الخراط. دمشق: مجمع اللغة العربية.
- مجتبوی، جلال الدین. (۱۳۹۰ش). *ترجمه القرآن الحكيم*. چاپ چهارم. تهران: حکمت.
- محبی، غلامحسن و علوی، بتول. (۱۳۹۲ش). *بررسی و نقد معانی حرف جر «باء» از دیدگاه ابن هشام انصاری*. دوفصلنامه پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۳(۷)، ۷۹-۱۰۴.
- مشکور، محمد جواد. (۱۳۴۹ش). *دستورنامه در صرف و نحو زبان پارسی*. چاپ ششم. تهران: شرق.
- معین، محمد. (۱۳۸۰ش). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۵ش). *ترجمه القرآن الكريم*. قم: آثار آیت الله العظمی مکارم شیرازی.
- موسوی، محمد باقر. (۱۳۷۴ش). *ترجمه تفسیر المیزان*. چاپ پنجم. قم: اسلامی.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۶۳ش). *دستور زبان فارسی*. چاپ سیزدهم. تهران: توس.
- الهروی، علی بن محمد النحوی. (۱۴۱۳ق). *الأزهیة فی علم الحروف*. تحقیق عبدالمعین الملوحي. دمشق: مطبوعات مجمع اللغة العربية.
- الهلالی، هادی عطیة مطر. (۱۴۰۶ق). *نظریة الحروف العاملة ومبناها وطبیعة استعمالها القرآنی بلاغياً*. بيروت: عالم الكتب.
- همايونفرخ، عبدالرحیم. (۱۳۳۷ش). *دستور جامع زبان فارسی*. چاپ دوم. تهران: علمی.

References

The Holy Quran. [In Arabic]

Al-Alusi, M. (1994). *The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Quran and the Seven Verses*. Investigation by Ali Abdel Bari Attia (1st ed.). Beirut: Al-Kotob Al-Ilmiyah. [In Arabic]

- Al-Daqer, A. (1990). *A Dictionary of Arabic Grammar in Grammar and Conjugation with the Addition of Spelling*. Qom: Hamid. [In Arabic]
- Al-Fakhr Al-Razi, M. (1999). *Tafsir Al-Fakhr Al-Razi (Tafsir Al-Kabir or Mafatih Al-Ghab)* (3rd ed.). Beirut: Ehya Al-Toras Al-Arabi. [In Arabic]
- Al-Haravi, A. (1993). *Alozhiyyah in the Science of Alphabets*. Investigated by Abdul Moeen Al-Mallouhi. Damascus: Publications of the Academy of the Arabic Language. [In Arabic]
- Al-Helali, H. (1986). *The Theory of Working Letters - Their Structure and the Nature of their Rhetorical Use in the Quran*. Beirut: Alam Al-Kotob. [In Arabic]
- Ali Dost, A., Al-Hasani, A., Al-Naini, M. R., & Al-Safayi, G. A. (1995). *Mogni Al-Adeeb*. Qom: Al-Hawza Al-elmieh. [In Arabic]
- Allameh Mustafavi. (2007). *Explanation and Completion of Factors in the Science of Syntax* (10th ed.). Tehran: Allameh Mostafavi's works. [In Persian]
- Al-Maleqi, A. (1975). *Rasf Al-Mabani in Explaining the Letters of Meanings*. Investigated by Ahmad Mohammad Al-Kharrat. Damascus: Academy of the Arabic Language. [In Arabic]
- Al-Tabarsi, A. (1993). *Majma Al-Bayan in the Interpretation of the Quran* (3rd ed.). Tehran: Naser Khosrow. [In Arabic]
- Al-Zajjaji, A. (1986). *Meaning Letters* (A. T. Al-Hamad, Ed.). Beirut: Al-Resala Foundation, and Irbid (Jordan): Dar Al-Amal. [In Arabic]
- Al-Zamakhshari, M. (2009). *Tafsir Al-Kashaf Anhaqa 'iq Al-Tanzil wa Uyun Al-Aqawil fi Wojuh Al-Ta'wil*. Beirut: Marefah. [In Arabic]
- Ameli, I. (1981). *Interpretation of Ameli*. Tehran: Sadouq. [In Persian]
- Anvari, H., & Ahmadi Givi, H. (2009). *Grammar 2* (5th ed.). Tehran: Fatemi. [In Persian]
- Anvari, H. (2003). *Great Encyclopedia of Speech* (2nd ed.). Tehran: Mahart. [In Persian]
- Asghari, B. (2009). *The Rhetorical Syntactic Approach on Prepositions in the Holy Quran*. [Doctoral dissertation]. Tehran: Tarbiat Modarres University. [In Persian]
- Ashkevari, M. (1994). *Tafsir-e Sharif-e Lahiji*. First Edition. Tehran: Dad. [In Persian]
- Awwad, M. H. (1982). *Tanawub Huruf Al-Jarr fi Lughat Al-Quran*. Jordan: Al-Furqan. [In Arabic]
- Ayati, A., M. (2013). *Translation of the Holy Quran*. (11th ed.). Tehran: Soroush. [In Persian]

- Farshidvard, K. (2009). *Today's Concise Grammar Based on New Linguistics*. Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Gharaati, M. (2009). *Interpretation of Noor*. Tehran: Lessons from the Quran. [In Persian]
- Gonabadi, H., S., M. (1988). *Interpretation of the Statement of Happiness in the Places of Worship* (2nd ed.). Beirut: Al-aalami. [In Arabic]
- Hasan, A. (1963). *Adequate Grammar* (3rd ed.). Cairo: Al-Maaref. [In Arabic]
- Homayun Farrukh, A. (1958). *Comprehensive Grammar of Persian Language* (2nd ed.). Tehran: Elmi. [In Persian]
- Hoseini, S., A. (1984). *Intentional Bases in Arabic Grammar (Translation and Explanation of Factors in Grammar)* (1st ed.). Qom: Haziq. [In Persian]
- Ibn Hisham Al-Ansari, J. (1986). *Mughni Al-Labib on the Books of Al-Arabiya*. (1st ed.). Qom: Sayyed al-Shuhada Library. [In Arabic]
- Khorrmandel, M. (2005). *Tafsir-e Noor* (4th ed.). Tehran: Ehsan. [In Persian]
- Lashin, A. (2014). *From the Secrets of Expression in the Holy Quran - Letters*. Cairo: Al-Fekr Al-Arabi. [In Arabic]
- Makarem Shirazi, N. (2016). *Translation of the Holy Quran*. Qom: Works of Grand Ayatollah Makarem Shirazi. [In Persian]
- Mashkoor, M. J. (1970). *Instruction in the Grammar of the Persian Language* (6th ed.). Tehran: Shargh. [In Persian]
- Mohebbi, G., H., & Alavi, B. (2013). Reviewing meanings of the Arabic preposition Ba from the viewpoint of Ibn Hisham Ansari". *A Biannual Translation Researches in Arabic Language and Literature*, 3(7), 79-104. [In Persian]
- Moin, M. (2001). *Persian Dictionary*. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Mojtabavi, J. (2011). *Translation of the Holy Quran* (4th ed.). Tehran: Hekmat. [In Persian]
- Mousavi, M., B. (1995). *Translation of Tafsir Al-Mizan* (5th ed.). Qom: eslami. [In Persian]
- Natel Khanlari, P. (1984). *Persian Grammer* (13th ed.). Tehran: Toos. [In Persian]
- Qotb, S. (2004). *Fi Zelal Al-Quran*. Beirut: Al-Shorouk. [In Arabic]
- Safavi, M. R. (2019). *Translation of the Holy Quran* (5th ed.). Qom: Maaref. [In Persian]
- Sameen, A. (1994). *Al-Dorr Al-Masoon in the Sciences of the Hidden Book*. Beirut: Al-Kotob Al-Ilmiyah. [In Arabic]
- Sayyah, A. (2006). *Academic Dictionary 2: Persian to Arabic with Phrases and Examples* (2nd ed.). Tehran: Farhan. [In Persian]

- Tayyeb, A. (1990). *Atyab Al-Bayan in the Interpretation of the Quran* (2nd ed.). Tehran: eslam. [In Persian]
- Zareifar, I. (2013). Meanings of the letter Ba in the Holy Quran. *A Biannual Journal of Quran and Hadith Sciences*, 45 (2), 73-90. [In Persian]



استناد به این مقاله: نادران، حاج بی‌بی، زارع برمی، مرتضی. (۱۴۰۱). انتقال معانی حرف جر «باء» به حرف اضافه «به»، مطالعه موردی: سوره آل عمران. *علم زبان*، ۹ (۱۵)، ۲۱۱-۲۴۴. Doi: 10.22054/ls.2021.57826.1420



Language Science is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.